



سیمای جامعہ شناسی
زنان در آئینہ قرآن

مؤلف:

محمد احمدیان

سیمای جامعه‌شناسی زنان در آینه‌ی قرآن

تالیف: محمد احمدیان

ناشر: نشر احسان

چاپ: مهارت

نوبت چاپ: اول - ۹۴

بیراز: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۵۰-۲

سرشناسه: احمدیان، محمد، ۱۳۴۳ -
سیمای جامعه‌شناسی زنان در آینه‌ی
قرآن

مشخصات نشر: نشر احسان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۹۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۵۰-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپای

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۱۳۴۶



نشر

تهران: خ انقلاب، رویروی دانشگاه تهران.
پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶، تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

فهرست مطالب

۱۷	تقریظ جناب آقای دکتر احمد نعمتی
۲۹	مقدمه
۳۳	فصل اول: حقوق معنوی زنان در قرآن
۳۴	تعریف لغوی «المرأه»
۳۴	تعریف لغوی «نساء»
۳۴	تکرار کلمه «المرأه» در قرآن
۳۵	کلمه «نساء» در قرآن
۳۷	تعریف لغوی «معنویت»
۳۷	منظور از حقوق معنوی چیست؟
۴۰	راه‌های تحقق حقوق معنوی زنان
۴۰	۱- پذیرش نقش آرامش‌بخشی
۴۰	۲- پذیرش مدیریت مردان و معاونت زنان در نهاد خانواده؛
۴۱	۳- پذیرش نقش مشاوره‌ی زنان در نهاد خانواده؛
۴۲	۴- پذیرش نقش تربیتی زنان؛
۴۳	۵- پذیرش نقش امر به معروف و نهی از منکر زنان؛
۴۳	۶- پذیرش نقش زنان در خلافت زمین؛
۴۴	۷- پذیرش نقش زنان در تعلیم و تعلم؛
۴۵	۸- تعلیم و تربیت زنان پا به پای مردان؛
۴۶	قرآن و ضمانت‌های حقوق معنوی زنان
۴۶	۱- باور به یکی‌بودن جوهره‌ی حیات مردان و زنان

۴۹	۲- باور به ازدواج بر پایه‌ی حلالیت
۵۱	جستاری پیرامون اسلام و تعدّد زوجات
۵۲	واقعیات زندگی و ضرورت‌های تعدّد زوجات
۵۲	الف - ناتوانی همسر در ادای وظیفه‌ی فطری
۵۳	ب - نازایی زنان
۵۴	ج - عدم برابری آمار زنان و مردان
۵۶	۳- التزام به رفتار عادلانه با زنان
۶۰	تأثیر هیجانات در شخصیت انسان
۶۳	۴- حفظ نگرش شهوانی به زنان
۶۷	۵- حفظ زنان در صدر لیست علایق
۷۱	۶- معرفی الگوی برتر در میان زنان
۷۲	تطهیر در برگزیده‌ی مفاهیم مختلف است
۷۵	فصل دوم: حقوق مادی و نقش آن در حیات زنان
۷۶	منظور از حقوق مادی چیست؟
۷۹	بهره‌مندی زنان از ارث
۸۱	سهم زنان در ارث
۸۶	شُبّه‌ی عدم تساوی ارث بین زن و مرد
۸۶	زنان وارث
۸۶	تساوی ارث بین مردان و زنان
۹۰	ارث شوهر
۹۰	ارث همسر
۹۰	ارث کلاله
۹۱	حکم ذّین و وصیت بر ماترکه
۹۱	کلاله و عدم تساوی خواهر و برادر در ارث

۹۵	فصل سوّم : حقوق خانوادگی زنان در قرآن
۹۶	ممنوعیت ازدواج با همسر پدر
۹۸	ممنوعیت ازدواج با محارم
۱۰۲	توضیحاتی پیرامون حقوق مُلک یمین
۱۰۴	ممنوعیت ازدواج با زنان شوهردار
۱۰۸	مدیریت مردان و معاونت زنان
۱۱۰	نظام خانواده
۱۱۰	اهداف خانواده
۱۱۰	مدیریت کانون خانواده
۱۱۱	کانون خانواده و موضع گیری زنان
۱۱۳	مراحل مهار نشور زنان
۱۱۳	۱- پند و اندرز اصلاحی
۱۱۴	۲- ترک بستر
۱۱۵	۳- کتک زدن
۱۱۶	دیدگاه حدیث و کتک زنان
۱۲۱	طلاق، مشکل گشای اجباری
۱۲۴	انواع طلاق
۱۲۵	۱- طلاق از نظر لفظ
۱۲۵	۲- طلاق از نظر زمان طلاق
۱۲۵	۳- طلاق از نظر مالی
۱۲۷	زمان بندی طلاق
۱۲۹	ظهار و حکم شرعی آن
۱۳۱	جریمه ظهار و حفظ حقوق زنان
۱۳۵	زنان لباس مردانند
۱۳۶	سلامت جسم در پاکی مقاربت

۱۳۸.....	ضابطه مندی زناشویی
۱۴۱.....	حفظ حقوق زناشویی زنان
۱۴۳.....	حکم فقهی «ایلاء»
۱۴۴.....	الف - عصبانیت مرد
۱۴۴.....	ب - تکبر و سرکشی زن
۱۴۵.....	ج - خودخواهی مرد
۱۴۶.....	عده‌ی طلاق دوره‌ی آشتی
۱۴۷.....	جکیده‌ای از طلاق از منظر فقه
۱۴۷.....	انواع عده
۱۴۸.....	احکام طلاق در زمان عده
۱۴۹.....	احکام رجعت
۱۴۹.....	ازدواج مجدد بعد از طلاق بائن در (مذهب امام شافعی)
۱۵۲.....	ازدواج مجدد و آزادی عمل زنان
۱۵۴.....	کنایه در خواستگاری و شکستن فضای عزا
۱۵۶.....	طلاق قبل از نزدیکی و حقوق زنان
۱۶۰.....	نشوز مرد و اخلال در نظام خانواده
۱۶۳.....	عده‌ی وفات و حفظ حقوق زنان
۱۶۷.....	خانه کانون مشورت و نقش زنان در آن
۱۷۲.....	طلاق و نکاح مجدد و حقوق زنان
۱۷۴.....	نگاهداری شایسته زنان یا رهایی به احسان
۱۷۸.....	عده‌ی زنان مطلقه و حقوق آنان
۱۸۲.....	طلاق بدون عده و حقوق زنان
۱۸۳.....	انواع عده

فصل چهارم : حقوق اجتماعی زنان قبل از اسلام در قرآن..... ۱۸۵

حقوق اجتماعی زنان قبل از اسلام..... ۱۸۶

۱۸۶	تعریف اجتماع
۱۸۶	حقوق اجتماعی
۱۸۷	نقش زنان در اجتماع
۱۹۰	حضور اجتماعی زنان همراه با ذلت
۱۹۲	نگاهی گذرا از منظر سیاسی اجتماعی به آیات
۱۹۳	فرعون و قدرت
۱۹۳	معنی قدرت
۱۹۳	اعمال قدرت
۱۹۴	قدرت سیاسی
۱۹۴	منشأ قدرت
۱۹۴	قدرت و اجبار
۱۹۴	حاکمیت مطلق
۱۹۵	حکومت سنتی
۱۹۵	طبقات اجتماعی
۱۹۵	نتیجه‌گیری
۱۹۶	تفسیر آیه‌ی (۶) سوره‌ی قصص
۱۹۹	فضای اجتماعی مصر و نقش زنان
۱۹۹	شیدایی همسر عزیز و پاکی یوسف
۲۰۴	همسر عزیز مصر و حفظ اعتبار کاذب
۲۰۶	مهمانی فریبنده
۲۰۸	تهدید به تمکین یوسف
۲۱۰	اقرار به جرم و براءت متهم
۲۱۳	فضای سیاسی سبأ و نقش اجتماعی ملکه
۲۱۳	سلطنت ملکه‌ی سبأ
۲۱۳	درآمدی بر موضوع ملکه‌ی سبأ
۲۱۸	ملکه‌ی سبأ، شخصیت سیاسی در قرآن

۲۲۱	دور اندیشی ملکه و سیاست داخلی او
۲۲۵	شورامحوری در مدیریت ملکه
۲۲۹	مقبولیت ملکه در میان لشکریان
۲۳۱	صلح جو بودن، اساس سیاست ملکه
۲۳۳	گریز از جنگ و سیاست مهار ملکه
۲۳۵	الف) مدیریت توسعه در سیاست سلیمان
۲۳۶	ب) سیاست مهار در عملکرد ملکه
۲۳۶	ج) استقلال و حفظ حاکمیت
۲۳۷	ملکه‌ی سبا و تصدیق محققانه
۲۴۰	ملکه‌ی سبا و طرح استیت ملی
۲۴۵	نتیجه گیری

فصل پنجم : حقوق اجتماعی زنان بعد از اسلام

۲۵۱	هدف اسلام از حفظ حقوق اجتماعی زنان چیست؟
۲۵۱	۱- اجرای عدالت اجتماعی
۲۵۲	۲- زنان، نصف جامعه
۲۵۳	۳- زنان کشتزار جامعه
۲۵۵	فحشا، تهدید حقوقی برای زنان
۲۵۶	جستاری پیرامون رجم
۲۵۶	۱- دیدگاه رجم
۲۵۸	۲- دیدگاه تعزیری
۲۵۹	۳- رجم شریعت یهود
۲۶۱	حکم منسوخ رجم توسط قرآن
۲۶۴	معاشرت به معروف، حفظ شخصیت زنان
۲۶۶	اسلام و حرمت زن بابا
۲۶۸	دایره‌ی تحریم در ازدواج

۲۶۹	محارم از راه خویشاوندی
۲۷۰	محارم به سبب دامادی
۲۷۱	محارم از راه شیرخوارگی
۲۷۵	عقد ازدواج، حصن حفاظت از زنان
۲۷۷	۱- ملوک یمین چیست و چگونه به وجود آمد؟
۲۷۸	۲- چرا اسلام نظام برده‌داری را ملغی نکرد؟
۲۷۹	۳- کنیز و موضع اسلام
۲۸۰	عدالت در اجرای حدود در راستای حفظ حقوق زنان
۲۸۴	جهاد و حفظ جان زنان
۲۸۷	مثلت مستضعفین و حقوق اجتماعی زنان
۲۸۹	دختران یتیم و جایگاه حقوقی آنان
۲۹۲	پاسداری از جان زنان در مکه
۲۹۴	هجرت زنان گامی در مسیر کمال
۲۹۶	حضور اجتماعی و نقش زنان در مباحثه
۲۹۹	فصل ششم : تکالیف زنان در قرآن
۳۰۰	معنی تکلیف
۳۰۰	رابطه‌ی تربیت با تکلیف
۳۰۰	معنی تربیت از نظر علما
۳۰۰	۱- معنی تربیت از نظر علمای اخلاق
۳۰۱	۲- تربیت از نظر روان‌شناسان
۳۰۱	۳- تربیت از نظر جامعه‌شناسان
۳۰۲	تکلیف‌پذیری زنان و اثرات مثبت آن در جامعه
۳۰۲	۱- زنان به عنوان نصف جامعه
۳۰۲	۲- زنان به عنوان مربیان جامعه
۳۰۳	۳- زنان به عنوان پشتوانه‌ی مردان

۳۰۴.....	تکالیف ویژه‌ی زنان.....
۳۰۵.....	مسئولیت زنان در سکنا بخشی مردان.....
۳۰۶.....	مسئولیت زنان در امر به معروف و نهی از منکر.....
۳۰۷.....	زنان لباس مردان و مسئول عیب پوشی آنان.....
۳۰۸.....	مسئولیت زنان در مشاوره‌ی مردان.....
۳۰۹.....	تکلیف زنان، پرهیز از چشم چرانی.....
۳۱۵.....	پوشش اسلامی، تجلی یک فرهنگ.....
۳۱۸.....	شهادت و مسئولیت زنان.....
۳۲۰.....	شهادت مردان.....
۳۲۰.....	شهادت مردان و زنان با هم.....
۳۲۲.....	مسئولیت زنان در عقد و پیمان.....
۳۲۶.....	حجاب و التزام زنان.....
۳۳۱.....	مسئولیت زنان در بنیاد جامعه‌ی سالم.....

فصل هفتم :

۳۳۵.....	اخبار زنان در قرآن.....
۳۳۶.....	اخبار و گزارش زنان قبل از اسلام در قرآن.....
۳۳۶.....	حکمت تکرار چیست؟.....
۳۳۷.....	داستان حوا ^۱ در قرآن.....
۳۳۷.....	حوا، سکنا بخش آدم.....
۳۴۱.....	فریب خوردن حوا ^۲
۳۴۵.....	بازگشت حوا ^۳
۳۴۷.....	داستان خیانت همسر نوح علیه السلام
۳۴۹.....	داستان همسر حضرت ابراهیم علیه السلام
۳۵۲.....	داستان خیانت همسر لوط علیه السلام
۳۵۷.....	اخبار از دختران شعیب علیه السلام
۳۶۱.....	اخبار از توطئه‌ی همسر عزیز مصر.....

۳۶۱	الف - سفارش عزیز مصر به همسرش
۳۶۲	ب - آغاز توطئه همسر عزیز مصر
۳۶۵	ج - تبرئه یوسف و اعتراف به گناه همسر عزیز
۳۶۷	اخبار آسیه همسر فرعون
۳۷۱	اخبار مادر و خواهر موسی
۳۷۶	اخبار از راز و نیاز مادر مریم همسر عمران
۳۸۰	اخبار مریم و سرانجام او
۳۸۲	نکات قابل توجه در مورد مریم عذرا
۳۸۶	اخبار از همسر ابو لهب
۳۸۷	نتیجه گیری
۳۹۱	منابع و مراجع

تقریظ جناب آقای دکتر احمد نعمتی

بسمه سبحانه

ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر خاتم پیامبران، آنکه خدایش برانگیخت تا رحمتی برای جهانیان و پرتوی برای راه یافتگان و پروايشگان باشد.

کتاب «سیمای جامعه‌شناسی زنان در آیینه‌ی قرآن» تألیف اندیشمند توانا، داعی نواندیش جناب استاد محمد احمدیان را تورق و بازبینی نمودم؛ کتاب بسیار ارزشمند و پاسخگوی این عصر نوین ماست. از آنجا که پیشرفت شتابان علم و پژوهش و ورود آن به عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی انسان، هر روز انبوهی از مسائل نوپیدا در موضوعات مختلف اندیشه‌ای و دینی را فراوری مجامع علمی و دینی قرار می‌دهد. باورهایی را به چالش می‌کشد و افق‌های نوئی را می‌گشاید. رسالت اصلی فقیهان هر عصر، و فلسفه‌ی وجودی اجتهاد پاسخگویی به نیازهای نو، پیداست؛ و این مهم از طریق انطباق اصول شریعت بر فروغ برخاسته از نیازهای فرد و جامعه میسر است. این کتاب، تقدیم به آنانکه اسلام‌خواهی و و غیرت دینی را معیار حمایت از یک اندیشه و مذهب می‌دانند، و از بند تعصبات مذهب‌گرایی و فرقه‌گرایی آزادند، تقدیم به آنانی که همواره در تلاش

راه‌یابی به حق و صواب‌اند؛ و در پذیرش حقایق پس از ایضاح و اتمام حجت تأمل نمی‌کنند، تقدیم به آنانی که حق نقد و بررسی و اظهارنظر را حق همگانی می‌دانند و هیچ فقیه و اندیشمندی را نمی‌توان از این حق خدادادی، محروم داشت.

در طول تاریخ تقدس متون دینی به آرای علما هم سرایت کرده و رفته رفته پلوه‌ای از آرای عالمان دینی، هم مقدس و فوق‌چون و چرا شمرده شده است. لذا به درخواست مؤلف محترم، جهت تکمیل مطالب اثر، تقریظی و یا مقدمه‌ای در رابطه با «حقوق اجتماعی و دینی زن» به نگارش درآمد. امید است مورد پسند پژوهشگران قرار گیرد.

مسأله‌ی حقوق مادی و معنوی، دنیوی و آخروی زن در جامعه، یکی از مسائل و موضوعات مهم و چالش‌برانگیز بوده و هست، زیرا ذات وجودی زن به عنوان نیمی از پیکره‌ی تأثیرگذار انسانی، همواره در اذهان مطرح بوده است. و در طول تاریخ می‌توان دید که افراط و تفریط در برخورد با قضایا و حقوق زن چه ناهنجارهای مذهبی، اجتماعی، اخلاقی و روانی را در پی داشته است و برعکس، در ایجاد نگاه معتدلانه و وسطیت و برخورد معقول قرآنی، چه میزان به رشد و ثبات روانی و تکامل و تثبیت باور اسلامی، کمک کرده است.

به هر روی فهم و تحلیل ما در رابطه با قضایای زن، که بعضاً و معقراً پیچیده در بطن فرهنگ کلاسیک و مدرن ما نشسته، و از قضایای پیچیده در تطبیق شریعت بر جامعه می‌باشد. در رابطه با حقوق زن نظرات بسیار گفته شده است و هنوز هم جای سخن فراوان دارد، لذا برای حل مشکل در حوزه‌ی حقوقی و اجتماعی خانمها بایستی موانع متعدّد پیشینی از سر راه

برداشته شود.

آنچه ما امروز با آن مواجهیم میراث فرهنگی است برگرفته از سه فرهنگ «دین، اسلام و عرف جامعه» و برخی مقتضیات جهان مدرن. در فرایند احترام به زن در گذشته، دو مبنا وجود داشته است: مبنای برخی بر این پندار بوده، تبعیضی که در حق زن روا شده به نفع کرامت زن بوده است، از این دیدگاه تفاوت‌های حقوقی که میان زن و مرد در حقوق موضوعه ما مشاهده می‌شود تفاوت‌های فطری، ذاتی و الهی هستند، و هرگونه تغییری در آنها، تغییر در ناموس طبیعت، در سرشت خلقت و در دین خدا محسوب می‌شود؛ و در نهایت احترام به بانوان را رعایت همین «حقوق و تکالیف شرعی» می‌دانند از این دیدگاه سستی صورت‌ها و قالب‌های فقهی که به زنان ما رسیده است از نوعی قداست برخوردارند، و همه از امور منصوص و از احکام ثابت شرعی‌اند؛ لذا رعایت آن احکام، از دید سستی‌مآبان، رعایت دین خدا و شریعت پیامبر ﷺ می‌باشد.

طرفداران این گروه از جمله بسیاری از اشاعره، بر این باورند هر چه از جانب شریعت - قرآن و سنت - نازل شده باشد، همان عین عدالت و مصلحت است که با عقل انسانی قابل ادراک نیست، و عقل عرفی زمان نزول شریعت کلیه احکام را در مقایسه با دیگر احکام عادلانه می‌دانسته‌اند، و تفاوت حقوقی زن و مرد یکی از ضروریات اندیشه سستی‌است و اگر کسی منکر چنین فرایندی باشد از پارادایم اندیشه سستی خارج شده است.

مبنای دوم، دیدگاه اسلام نواندیشی و مدرن است و به «کرامت جهانی زن» می‌اندیشد، از این دیدگاه بسیاری از احکام سستی را در حوزه‌ی زنان فارغ از انتسابشان به صاحب شریعت، عادلانه ارزیابی نمی‌کنند؛ یعنی ذهن

بی طرف وقتی به آن احکام بنگرد، موصوف به عدالت نیستند، چه امروزه در حوزه اجتماعی و حقوقی زنان تطوراتی صورت گرفته است. اگر حکمی مانند سنگسار به گوشمان خورد این نکته در ذهنمان خلجان می‌کند که آیا این شیوه عادلانه است؟ عقلانی است؟ چگونه می‌توان از اینکه دیه زن نصف دیه مرد است، در شرایطی که امروزه آمار دانشجویان دختر از شصت درصد کل دانشجویان گذشته است، دفاع کرد؟ لذا احکام حوزه زن به استنباطی دوباره محتاج است، اجتهادی در مبانی و فروع و متناسب با ضوابط عقلانی و توجه به مقاصد شریعت، و بایستی مدارک اصل عدالت «کتاب و سنت» را با این عینک بازخوانی کرد، همانگونه که غزالی، شاطبی، ابن قیم، و امام الحرمین اینگونه سفارش نموده‌اند.

در راستای تعارض سنت و تجدد، حقوق زنان در گذشته مباحث و ابعادی داشت، و امروزه مباحث و ابعاد دیگر، این گذشته فقط مختص به جوامع اسلامی نیست، در جوامع دیگر عناصر مشترکی را در همه‌ی آنها می‌توانیم ببینیم، قبل از دوران رنسانس زن موجود درجه دوم محسوب می‌شد، آسیب‌پذیر و فرودست و به عنوان موجودی که همواره بایستی در چتر حمایتی مرد قرار می‌گرفت و اگر سایه پاسداری مردانه از سر ایشان برداشته می‌شد، همانند گلی پژمرده می‌شدند و یا همچون گوه‌ری به دست راهزنان می‌افتادند؛ لذا احکام عرفی چنان بود که زن تحت پاسداری مردانه‌ای از قبیل پدر، برادر، شوهر و پسر قرار می‌گیرد، و این روندی بود که در اکثر جوامع گذشته مشاهده می‌شد.

در ادبیات دینی ما دو سیما از زن به چشم می‌خورد: یک سیما که بیشتر قرآنی است، که زن انسانی متفاوت اما همپای مرد است؛ در این سیما هیچ

آسیب‌پذیر و نیازمندی پاسدارانه مردی، ارائه می‌کند، اصطلاح «ضعیفه» در فرهنگ نیاکان ما کم‌بکار نرفته است، در این سیمای دوم رسوب جهان گذشته را دارا بوده. البته نباید تصور کرد که آنچه در فقه مذاهب بر مبنای عرف زمان آمده همه یکسره سیاه است، نجابت و عفاف که در فرهنگ دینی و فقهی ماست با یک دنیا عوض کردن نیست؛ و در کنار این نگاه مثبت لازم است به نواقص حقوقی خانمها اشاره کرد، زیرا احکام مربوط به آنان از جمله احکام جاودانگی و همیشگی نیستند؛ بلکه از جمله احکام موقتی و متناسب با مقتضیاتی زمانی و مکانی عصر نزول و بعد آن بوده‌اند. احکامی که مطابق عرف زمان رسول خدا و بعد از ایشان بوده از احکامی که جزو پیام جاودانه دینی است، متمایز می‌باشد.

امروزه در راستای اندیشه‌ی عالمان روشنفکر و اجتهادات مدرن و پویا، بعضی از مسائل مربوط به زن نیاز به تحقیق و واری دارد از جمله:

۱- تحصیل، اذن پدر در ازدواج دختر برخلاف پسر، چون در عنوان جوانی عواطف هر دو، بر عقلشان یکسان برتری دارد، و چرا اذن و رضایت مادر مطرح نیست؟ چه بسا در قضیه ازدواج مادران بصیرت‌تر از پدران باشند؟

۲- قضیه‌ی جواز ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب، برخلاف عکس آن.

۳- بحث ریاست مرد بر خانواده، که چه بسا همچون یک حکومت استبدادی حرف اول و آخر را مرد می‌زند؛ و اگر زن ذره‌ای خلاف کند جایش در جهنم است، ناشزه شده و احکام ناشزه بر ایشان جاری می‌گردد! چه اشکال داشت زندگی خانوادگی با رضایت زوجین اداره می‌شد؟

۴- مسأله‌ی عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، چه ایرادی دارد زن با رعایت عفاف و نجابت برای تحصیل یا اشتغال از خانه خارج شود؟

۵- قضیه تنبیه و کتک خوردن زن از سوی شوهر که مقتضیات عرف و زمان، بعضی از آن موارد را در راستای مقاصد شارع برنمی‌تابد.

۶- بحث جدایی و طلاق: می‌دانیم زندگی خانوادگی با رضایت طرفین آغاز شده، لازمه‌ی سیمای قرآنی زن، تدوام آن با رضایت طرفین و در صورت عدم رضایت، جدائی و طلاق با توافق همدیگر باشد؛ اینکه در گذشته طلاق را ایقاع مردانه بدانیم بدون نیاز به اذن و رضایت و حتی اطلاع زوجه، قابل تأمل است.

۷- در رابطه با تفاوت دیه زن و مرد، وقتی که زن و مرد هر دو در اقتصاد خانواده شریک هستند چرا دیه هر دو یکسان نباشد؟

۸- تفاوت در سن مسؤولیت کیفری در دختران و پسران، زیرا یک پسر چهارده ساله کودک بشمار می‌آید، ولی یک دختر نه ساله بزرگسال می‌باشد.

۹- تفاوت در شهادت و گواهی زن و مرد، چه در بسیاری امور شهادت زنان بطور مطلق پذیرفته نیست از قبیل حدود شرعی، دعاوی غیر مالی، طلاق و رؤیت هلال و در بسیاری امور هم شهادت استقلالی زنان پذیرفته نیست. آیا این تبعیض مختص شرایط خاص گذشته بوده است؟ آیا نمی‌توان محدودیت شهادت بانوان را از احکام موقت و مشروط شرعی دانست؟!۱

۱۰- راجع به ممنوعیت بسیاری از مشاغل کلیدی و اینکه زن صلاحیت احراز مقام سیاسی و قضائی را ندارد از قبیل امارت سیاسی، قضاوت،

مرجعیت تقلید، امامت جمعه و جماعت، چطور می‌شود زن بتواند مجتهد باشد ولی نتواند مرجع و امام مذهب باشد؟

از دیدگاه نواندیشی دینی و در پرتو مقاصد شارع، اقتضا می‌کند تمام احکام شرعی از سه خصیصه زیر برخوردار باشد.

۱- عادلانه بودن، ۲- عقلانی بودن، ۳- برتر بودن نسبت به احکام مشابه در دیگر ادیان، مذاهب و فرق. این سه شرط و یا خصیصه، مختص به زمان نزول نیست، لذا هر حکمی در هر عصر و زمانی، دارای آن سه شرط باشد، شرعی تلقی می‌گردد. ولی اگر در حکمی هر کدام از آن سه شرط یا همه‌ی آن شرایط را نداشته باشد آن خود قرینه‌ای خواهد بود به اینکه حکم موقت بوده و دائمی نخواهد بود. در گذشته برده‌داری هم عقلانی بوده و هم عادلانه و شیوه‌ی اسلام هم در رفتار با بردگان در مقایسه با دیگر رویکردها برتر بوده است؛ و هیچ کدام از فلاسفه و عقلا در آن زمان حکم به الغای مطلق بردگی را نداده بودند، ولی در عصر کنونی آن چنان نیست. بنابراین کار اصلی عالمان دین، این است که پیام اصیل دین را از عرفیات گذشته جدا کنند اگر چنین نکنند محکوم به حذف خواهند شد.

در متون دینی گوهرهای ناب فراوان به عنوان ثوابت یافت می‌شود که عبارتند از پیامهای اصیل و ثوابت خداوند متعال و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم که آن پیامها فرامکان و فرا زمان و جاودانه هستند، بنابراین عرف زمان برای ما قداستی ندارد، قداست صرفاً مختص پیام اصیل دین است. از این نظر مجتهدان بارز اسلامی در پرتو اجتهاد پویا و جمعی، مرتب گفته‌اند که احکام و فتاوی عرفی با تغییر زمان، مکان، عرف و شرایط قابل تغییرند؛ و این مجتهدان و فقیهان معاصرند که امروزه بایستی احکام ثابت رسول گرامی را

از حواشی عرفی آن زمان جدا کنند؛ و انتظار جامعه‌ی زنان ما از عالمان و دانشمندان دینی این است که عرفیات آن زمان را از پیام‌های جاودانه دین جدا کنند. امروزه می‌یابیم که بسیاری از مفتیان و قضات با مجموعه‌ی تمام آن احکام، معامله‌ی احکام ثابت را می‌کنند، مجتهد نواندیش و پویا حرفش این است که تمام احکامی که در کُتب فقهی آمده است، احکام ثابت اسلامی نیستند، چه برخی از آن احکام متناسب با عرف زمان نزول، وضع شده‌اند. ما باید قائل باشیم به این که صرف بودن مطلبی و یا حکمی در قرآن کریم، دلالت بر جاودانه بودن و استمرار آن حکم نمی‌کند. مهم این است بدانیم کدام حکم دائمی و ثابت است؛ و کدام یک از احکام موقتی و متغیر است، تشخیص «ثوابت و متغیرات» احکام، بابتی از اصول فقه اسلامی است و باید توجه داشت که اصل در احکام شریعت، ثابت بودن آن است مگر این که به شکل یقینی احراز شود که حکمی خلاف اصل عدالت، عقلانی بودن و برتر بودن، نسبت به راه حل‌های مشابه آن است.

مسأله‌ی دیگری که بایستی قطعاً بدان توجه شود این است که بدانیم محدوده‌ی بحث مجتهدان نواندیش در هر عصر و مکانی، احکام غیرعبادی و غیراعتقادی است، یعنی احکامی که برای عقل، امکان درک آن وجود ندارد، نباید مدعی باشیم به این که تمام احکام شریعت قابل فهم و ادراک عقلانی است، سیره‌ی عقلانی نمی‌تواند جانشین فقه گردد، ولی می‌تواند معیاری برای پالایش و بازخوانی احکام غیرعبادی و غیراعتقادی باشد.

این روزها مشاهده می‌شود که حقایق دینی در پس پرده‌ی ضخیمی از عادات، آداب و ذهنیت‌های تنگ و تاریک، مخفی مانده و قداست اصل دین را بر این برداشت‌ها و ارزش‌های بشری اطلاق نموده‌اند؛ که آن خود عامل

اصلی تحریف دین و دورماندن آن از حیات بشریت است. کم نبودند دین باوران مخلص و مجاهدانی که با ایستادگی در برابر جمود و واپسگرایان در جهت احیای حقایق دینی کمر همت بستند و با زدودن پیرایه‌ها از دین و نمایاندن چهره‌ی منور و شاداب آن، دین خدا را احیا کردند؛ اگر چه بعضاً به جرم دفاع از حق، مورد تفسیق و تکفیر دنیاخواهان و جاهلان متهتک و یا عالم نمایان قرار می‌گرفتند؛ ولی به برکت همین حرکت‌های اجتهادی و جهادی آنان، چه در حوزه‌ی اندیشه و چه در عرصه‌ی اقدام، جوهر دین در تاریخ محفوظ مانده است.

سیمای جامعه‌شناسی زن، در راستای تطوّر و پیشرفت زمان با سؤال‌های دمامد نوشونده، مواجه است. ناگزیر دین‌شناس واقعی باید زمان‌شناس باشد، و زمان‌شناس کسی است که با پرسش‌های جدی و حقیقی آن زمان که متناسب با شرایط و احوال و مقتضیات و شأن تاریخی انسان آن دوران است، پاسخگو باشد.

اینک برادر اندیشمند و داعی نواندیش جناب آقای محمد احمدیان با همکاری همسر هفکر و مشاور ایشان خانم پروانه محمدی در کتاب «سیمای جامعه‌شناسی زنان در آئینه‌ی قرآن» با احساس مسؤولیت و تسلط بر موضوع، به نحو احسن از عهده‌ی پاسخگویی به مسائل و قضایای مورد نیاز این عصر بر آمده است؛ لذا برای مسلمانان حقیقت جو بویژه طلاب علوم اسلامی و دانشجویان فقه و حقوق و معارف اسلامی لازم است از کتاب بهره‌مند گردند و دعائی نثار مؤلف و تهیه‌کنندگان آن نمایند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

با تدبّر در سوره‌های قرآن، پیام و دستوراتی که در سوره‌ها - اعمّ از مکی و مدنی - آمده است، و بما توجّه به نام‌گذاری توفیقی سوره‌ها، ذهن قرآن‌پژوهان را به پویایی وادار می‌کند؛ مبنی بر اینکه بعضی از مفاهیم کلیدی در سوره‌ها، محور بوده و رابطه‌ی اسم و مسمّی در این بخش از سوره‌ها، رابطه‌ی قوی و نزدیکی است. برای مثال سوره‌ی «نساء» که یکی از سوره‌های طولانی قرآن است، نام‌گذاری آن به نام «زنان» بیانگر عنایت و توجّه خاص قرآن و حقوق اسلامی، به زنان و حقوق آنان است. در سوره‌ی نساء، بخش گسترده‌ای از حقوق زنان مطرح می‌شود، و علاوه بر حقوق عمومی زنان در لابلای بحثهای حقوقی، تکرار مجده مرتبه کلمه‌ی «نساء» در سوره، با محورهای متفاوت حقوقی، نشانه‌ای بارز از توجّه به حقوق زنان در قرآن است. در هیچ کدام از سوره‌های قرآن، با این گستردگی و صراحت از «نساء» صحبت به میان نیامده است. آیات این سوره در حوزه‌های «حقوق معنوی»، «حقوق مادی»، «حقوق خانوادگی»، و «حقوق اجتماعی» زنان، به صورت مفصّل بحث شده است. و آنچه جای تأمل می‌باشد، این است که در این سوره کمتر از تکلیف زنان صحبت به میان آمده است. مؤلف در این پژوهش قرآنی بر آن شده، با توجّه به الفاظ «نساء» و «المرأة» که به صراحت

از «حق و تکلیف» و سایر حقوق زنان در قرآن صحبت شده است، آنها را دسته‌بندی نموده؛ و در مقایسه با کلمه‌ی «رجال» در قرآن، آنها را از منظر حقوقی، در ترازوی حق و تکلیف در قرآن قرار دهد. هر چند از حقوق زنان در اسلام، به صورت گسترده بحث شده است. و در کتابهای فقهی و علمای سایر رشته‌های دیگر علوم اسلامی، در این مورد سنگ تمام گذاشته‌اند، ولی این موضوع مقتضی بحث و کاوش بیشتری است. آنچه مؤلف تعقیب می‌کند، مقایسه‌ای بین حقوق مردان و زنان، با توجه به صراحت دو واژه‌ی «نساء» و «رجال» در قرآن است. در واقع مؤلف می‌خواهد سیمای جامعه‌شناسی زنان در آیینی قرآن را به تصویر بکشد.

سقر - ۱۳۸۹/۱۲/۱۷

www.ketabonline.ir